



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

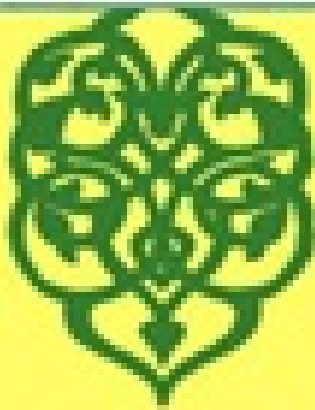


الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تأليف: سيد محمد جواد دهنی، تهران



انیس الطالین

«ترجمه آداب المتعلمین»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انیس الطالبین [ترجمه آداب المتعلمین]

نویسنده:

سید جواد ذهنی تهرانی

ناشر چاپی:

حاذق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	انیس الطالبین [ترجمه آداب المتعلمین]
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	مقدمه
۱۳	کتاب آداب المتعلمین
۱۳	فصل اول: حقیقت و فضیلت علم
۱۳	اشاره
۱۵	کلام برخی در خاصیت بعضی از علوم
۱۷	تفسیر علم
۱۸	فصل دوم: در بیان نیت
۲۰	فصل سوم: در برگزیدن علم و انتخاب استاد و اختیار هم بحث
۲۰	اشاره
۲۱	در بیان انتخاب استاد
۲۴	در بیان اختیار هم بحث
۲۴	نظم
۲۶	پاره ای از وظائف طالب علم
۲۹	فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به تحصیل آن
۳۷	فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب آن
۳۷	اشاره
۳۸	مقدار ابتداء شروع به درس
۴۰	ترتیب قرائت دروس
۵۴	فصل ششم: در بیان توکل
۵۶	فصل هفتم: در بیان وقت تحصیل

۵۸	فصل هشتم: در بیان مهربانی و نصیحت
۶۱	فصل نهم: در بیان استفاده
۶۵	فصل دهم: در بیان تقوی در مقام تعلم
۷۲	فصل یازدهم: در آنچه موجب حفظ و فراموشی میباشد
۷۲	اشاره
۷۴	اسباب پیدایش نسیان و فراموشی
۷۶	فصل دوازدهم: در بیان آنچه موجب جلب روزی و زیادی آن و آنچه باعث زیادی عمر و کوتاهی آن می شود
۸۵	فهرست
۸۸	درباره مرکز

انیس الطالبین [ترجمہ آداب المتعلمین]

مشخصات کتاب

سرشناسه: نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ۵۹۷-۶۷۲ق.

عنوان قراردادی: آداب المتعلمین

عنوان و نام پدیدآور: انیس الطالبین [نصرالدین طوسی] / ترجمہ آداب المتعلمین؛ بقلم محمدجواد ذہنی تهرانی.

مشخصات نشر: قم: حاذق، ۱۳۷۰.

مشخصات ظاہری: ۵۶ص.

شابک: ۲۵۰ریال.

عنوان دیگر: آداب المتعلمین

موضوع: اسلام و آموزش و پرورش

موضوع: اخلاق اسلامی

شناسه افزوده: ذہنی تهرانی، سیدمحمدجواد، ۱۳۲۶ - ۱۳۸۱، مترجم

رده بندی کنگره: BP۲۵۴/۴/ن ۴۰۴۱۶ ۱۳۷۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۵۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۱-۲۰۴۲

ص: ۱

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متن:

کتاب آداب المتعلمین

احمد لله على آلائه و نشكره على نعمائه و الصلوه و السلام على

سيد انبيائه و خير اوصيائه.

و بعد: فكثير من طلاب العلم لا يتيسر لهم التحصيل و ان اجتهدوا و

لا ينتفعوا عن ثمراته و ان اشتغلوا، لأنهم اخطأوا طريقه و تركوا شرائطه و كل من

اخطأ الطريق ضلّ، فلا ينال المقصود اردت ان ابين طريق التعلّم على سبيل

الاختصار على ما رايت في الكتاب و سمعت من اساتيدي اولي العلم و الله الموفق و

المعين، فابين المقصود في فصول شتى.

ترجمه:

حق تعالی را در مقابل نعمت هایش می ستایم، و بر عطایایش شکر مینمایم،

و درود قلبی و تحیت زبانی بر سرور پیامبران و بهترین جانشینان.

و بعد از گذاردن شکر و ستایش حضرت سبحان و اداء احترام به ساحت قدس

نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و سرور اوصیاء یعنی وجود مقدّس حضرت علوی سلام

الله القدسی علیه چنین نگاشته

ص : ۵

می شود:

بسیاری از طالبین و مایلین به دانش اگرچه کوشش نموده ولی تحصیل علم
برایشان میسر نشده و از منافع و آثار آن بهره ای نبرده اگرچه خود را بآن سرگرم و
مشغول مینمایند و جهتش آنستکه راه آنرا بخطاء و اشتباه رفته و شرائطش را
واگذارده اند و معلوم است هرکس راه را اشتباه برود گم خواهد شد و در نتیجه بمقصود
نخواهد رسید.

ازاینرو تصمیم گرفتم در این رساله و وجیزه بطور اختصار راه تعلّم و
فراگرفتن دانش را بآن نحو که در کتاب دیده و از اساتید صاحبان علمم شنیده ام بیان
کنم و از خداوند متعال توفیق و کمک میخواهم.
مقصود و مطلوب را در چند فصل بیان مینمائیم.

ص : ۶

اشاره

متن:

الفصل الاوّل في ماهيّة العلم و فضله

اعلم أنّه قال رسول الله صلّى الله عليه و آله:

طلب العلم فريضة على كلّ مسلم و مسلمه.

و المراد من العلم هنا علم الحال اى العلم المحتاج اليه في الحال

الموصل الى النّفع فى المال كما يقال:

افضل العلم علم الحال و افضل العمل حفظ المال، فيفرض على الطالب ما

يصلح حاله.

و شرف العلم لا يخفى على احد، اذ العلم هو مختصّ بالانسان، لأنّ جميع

الخصال سوى العلم يشترك فيها الانسان و ساير الحيوانات كالشّجاعه و القوّه و

الشّفقه و غير ذلك و به اظهر الله فضل آدم على الملائكه و امرهم بالسّجود له.

ترجمه:

فصل اوّل: حقيقت و فضيلت علم

پيامبر اکرم صلّى الله عليه و آله و سلّم فرمودند:

ص : ۷

خواستن و بدنبال دانش رفتن بر هر مرد و زن مسلمانی وظیفه و تکلیف است.
مقصود از علم در این حدیث شریف علم حال یعنی علمی که راجع به حال و
چگونگی است که شخص را در مال و منال نفع برساند چنانچه گفته اند:
برترین دانش ها علم حال بوده و بالاترین عملها حفاظت مال و دارائی
است، پس بر طالب لازم است چیزی را داشته باشد که حالش را اصلاح نماید.
و شرافت و فضیلت دانش بر کسی مخفی نیست زیرا علم اختصاص بانسان دارد
بخلاف صفات و فضائل دیگر چه آنکه تمام خصلت ها باستثنای علم انسان و جمیع حیوانات
در آن با هم مشترک میباشند نظیر:
شجاعت، نیرو، شفقت و دیگر خصال حمیده.
خداوند متعال بواسطه علم فضل و برتری آدم بر ملائکه را آشکار و اظهار
نمود و ایشان را بسجده بوی مأمور ساخت.
متن:

و ایضا هو وسیله الی السَّعاده الابدیّه ان وقع العمل علی مقتضاه،
فالعلم الَّذی یفرض علی المکلّف بعینه یجب تحصیله و یجبر علیه ان لم یحصل و الَّذی
یکون الاحتیاج به فی الاحیان فرض علی سبیل الکفایه و اذا قام به البعض سقط عن
الباقی و ان لم یکن فی البلد من یقوم به اشترکوا جمیعا فی تحصیله بالوجوب.
ترجمه:

و نیز علم و دانش وسیله است برای سعادت و رستگاری همیشگی مشروط
باینکه بر طبق و اقتضایش عمل گردد،

کلام برخی در خاصیت بعضی از علوم

پس علمی که بر مکلف فرض و تکلیف قرار داده شده و از جمله واجبات عینیه شمرده شده تحصیلش لازم و واجب بوده و در صورتیکه وی به تحصیل آن همت نگمارد بر آن اجبار و الزامش میکنند و علمی که احیاناً بآن احتیاج و نیاز پیدا میشود بنحو لزوم کفائی در حق مکلفین جعل شده بطوریکه اگر برخی از ایشان بآن قیام کنند از دیگران ساقط میگردد و اگر در شهر کسیکه بآن قیام کند وجود نداشته باشد تمام بتحصیل و فراگرفتنش موظفند.

متن:

و قیل:

بأنّ علم ما ینفع علی نفسه فی جمیع الاحوال بمنزله الطّعام لا بدّ لكلّ احد من ذلك و علم ما ینفع فی الاحیان بمنزله الدّواء یحتاج الیه فی بعض الاوقات و علم النّجوم بمنزله المرض فتعلّمه حرام لانه یضّرّ و لا ینفع الا قدر ما یعرف به القبلة و اوقات الصّلوٰه و غیر ذلك، فانه لیس بحرام.

ترجمه:

کلام برخی در خاصیت بعضی از علوم

برخی از ارباب دانش فرموده اند:

علمی که در تمام احوال و ازمان نافع است همچون طعام بوده که احدی بی نیاز از آن نمیباشد و دانشی که نفعش در برخی از اوقات است مانند دواء بوده که در پاره ای از احیان مورد احتیاج میباشد و علم نجوم و اخترشناسی بمنزله درد و مرض است از اینرو فراگرفتنش حرام میباشد چه آنکه مضرّ بوده و نافع نیست مگر مقداری که

بواسطه اش قبله نماز را بتوان معین نمود و اوقات صلوه را تشخیص داد
و غیر ایندو از احکام دیگر همچون تعیین آجال و اوقات که پاره ای از امور همچون
انقضاء عده زنان و تعیین اجل دیون بآن موقوف میباشد که اینمقدار از تعلّم حرام
نیست.

متن:

فأما تفسیر العلم:

فإنه صفة ینجلی بها لمن قامت هی به المذکور فینبغی للطالب ان لا
یغفل عن نفسه و ما ینفعها و ما یضرّها فی اولها و آخرها فیستجلب بما ینفعها و
یتجنّب عما یضرّها لئلا یكون عقله و علمه حجّه علیه فیزداد عقوبه.

ترجمه:

تفسیر علم

و اما تفسیر علم پس آن صفتی است که بواسطه اش برای کسیکه این صفت
بوی قائم است آنچه ذکر شد کشف و ظاهر میشود لذا برای طالب دانش شایسته است که از
نفس خویش و آنچه بنفع یا احیانا مضرّ بحالش است چه در بدو امر و چه در انتها و
مراحل آخر از آن غفلت نورد پس سعی و همتش بر آن باشد آنچه بنفع نفس و روحش
میباشد جلب نموده و از کلّیه اموری که برای نفسش مضرّ است اجتناب و دوری کند تا
عقل و علمش بر او حجّت نبوده و بدین وسیله عقاب و عذابش زیاد گردد.

فصل دوم: در بیان نیت

متن:

الفصل الثانی فی النّیّہ

لا بدّ لطالب العلم من النّیّہ فی تعلّم العلم، اذ النّیّہ هو الاصل

فی جمیع الاحوال لقوله تعالیٰ:

أَمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.

و لقوله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

لِكُلِّ أَمْرٍ مَانُوءٌ.

فینبغی ان ینوی المتعلّم بطلب العلم رضاء الله تعالی و ازاله الجهل

عن نفسه و عن سائر الجهّال و ابقاء الاسلام و احیاء الدّین بالامر بالمعروف و

النّهی عن المنکر من نفسه و من متعلّقاته و من الغير بقدر الامکان فینبغی لطالب

العلم ان یصیر فی المشاقّ و یجتهد بقدر الوسع، فلا یصرف عمره فی الدّنیاء الحقییره

الفانیه و لا ینذلّ نفسه بالطّمع و یجتنب عن الحقد و یحترز عن التّکبر.

ترجمه:

فصل دوّم: در بیان نیت

قطعا و مسلّما طالب علم در مقام تعلّم می باید دارای نیت

ص: ۱۱

باشد زیرا نیت اصل در تمام احوال و حالات میباشد بدلیل فرموده

حقتعالی که فرموده:

انما الاعمال بالنیات.

(صرفا اعمال بواسطه نیت تحقق می پذیرند).

و کلام درربار حضرت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم که چنین نقل

شده:

لکل امرئ مانوی.

(برای شخص است آنچه را که نیت میکند).

پس شایسته است که طالب دانش و خواهان علم در طئی تحصیلش خشنودی

حقتعالی را در نظر داشته و همتش برطرف کردن جهل و نادانی از خود و دیگر نادانان

بوده و قصدش ابقاء اسلام و احیاء دین بواسطه وادار کردن خود و وابستگان و دیگران

را باعمال حسنه و بازداشتن از افعال قبیحه و زشت بوده و تا حد امکان در این راه

بکوشد.

بنابراین شایسته است طالب علم خود را در مشاق و زحمات طاقت فرسا

قرار داده و بمقداری که قدرت دارد در این زمینه پای فشرده و استقامت نماید، عمر

گرانمایه را در تحصیل دنیای پست و زودگذر صرف نکرده و ابدا نفس خویش را بواسطه طمع

و چشم داشت به حطام و سرمایه دنیوی ذلیل نکند، از کینه ورزی و تکبر خودداری و

اجتناب کند.

اشاره

متن:

الفصل الثالث في اختيار العلم و الاستاد و الشريك و الثبات

ينبغي لطالب العلم ان يختار من كل علم احسنه و ما يحتاج اليه في

الامور الدينيه في الحال ثم ما يحتاج اليه بالمال و يقدم علم التوحيد و معرفه

الله تعالى بالدليل و يختار العتيق دون المحدثات.

قالوا: عليكم بالعتيق دون المحدثات.

و يختار المتون كما قيل:

عليكم بالمتون لا بالحواشي.

ترجمه:

فصل سوم: در برگزیدن علم و انتخاب استاد و اختیار هم بحث

سزاوار و شایسته است که طالب علم از هردانشی احسن و نیکوترش را

برگزیده و آنچه در حال نسبت بامور دینی مورد نیازش است انتخاب کرده و پس از آن

علمی را که نیازمندیهای مالی او را جوابگو باشد اختیار کند جای دارد که طالب دانش،

علم توحید و

در بیان انتخاب استاد

خداشناسی را با احاطه بر دلیل بر تمام علوم مقدّم کند و نیز علوم قدیمه را بر جدیده ترجیح داده و بفراگرفتن آنها کمتر همت ببندد چه آنکه بزرگان گفته اند:

بر شما باد به علوم قدیمه نه جدیده.

و حتّی الامکان به متون پرداخته و از حواشی بپرهیزد چنانچه گفته شده:
بر شما باد بمتون علوم نه حواشی آنها.

متن:

و اما الاستاد:

فینبغی ان یختار العلم و الا ورع و الا سنّ.

و ینبغی ان یشاور فی طلب العلم ای علم یراد فی المشی الی تحصیله،
فاذا دخل المتعلّم الی بلد یرید ان یتعلّم فیهِ فلیکن ان لا یعجل فی الاختلاف مع
العلماء و ان یصبر شهرین حتّی کان اختیاره للاستاد و لم یؤدّ الی ترکه و الرجوع
الی الآخر، فلا یبارک له فینبغی ان یثب و یصبر علی استاد و کتاب حتّی لا یترکه
ابتر و علی فنّ لا یشغل بفقنّ آخر قبل ان یصیر ماهرًا فیهِ و علی بلد حتّی لا ینقل
الی بلد آخر من غیر ضروره، فانّ ذلك کله یفرق الامور المقربه الی التّحصیل و
یشغل القلب و یضیع الاوقات.

ترجمه:

در بیان انتخاب استاد

بر طالب علم سزاوار است استادی را که از دیگران علم و تقوی و سنّش

بیشتر است اختیار کند.

و نیز در طلب و اختیار آن که چه علمی را تحصیل نماید با

ص: ۱۴

اهل مشورت صلاح دید نماید.

و وقتی متعلم به شهری که قصد آموختن و فراگرفتن علم را دارد وارد شد
و وظیفه اش اینستکه در حشر و نشر با علماء و مراوده با ایشان عجله نکرده بلکه بمدت
دو ماه صبر کند تا استاد مطلوب و جامع شرائط را پیدا نموده و تعجیلش منجر به ترک
چنین استادی و رجوع بدیگری نگردد چه آنکه اگر در انتخاب معلم طریق شتاب را طی
کند و باندک زمانی که نزد شخص حاضر شد وی را رها کرده و بسراغ دیگری رود این امر
برایش میمون و مبارک نبوده و اثر سوئی بدنبال دارد از اینرو می باید نزد استادی که
حاضر شد خدمتش صبر نموده و کتابی را که در محضرش قرائت مینماید به پایان رسانده تا
ناقص نماند و وقتی به فراگرفتن فنی اشتغال ورزید پیش از آنکه در آن ماهر شود خود
را سرگرم به صنعت و فنّ دیگر ننماید و زمانی که به شهری وارد شد و رحل اقامت در آن
افکند بدون اینکه ضرورت و نیازی پیش بیاید از آنجا به شهر دیگر کوچ نکند چه آنکه
ارتکاب این خلاف ها اموری را که سبب تسهیل امر تحصیل و مقرب آن میباشند پراکنده
نموده و دل و قلب را به غیر دانش و تحصیل آن مشغول نموده و سبب تضييع اوقات
میگردد.

متن:

و اما اختیار الشریک:

فینبغی ان یختار المجدّ و الا ورع و صاحب الطّبع المستقیم و یحترز من

الکسلان و المعطلّ و مکثار الکلام و المفسد و الفتان.

قیل فی الحکمه الفارسیّه:

نظم

تا توانی میگریز از یار بد

یار

بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند

یار

بد بر جان و هم ایمان زند

و قیل:

فاعتبر الارض باسمائها

و

اعتبر الصّاحب بالصّاحب

ترجمه:

در بیان اختیار هم بحث

بر طالب علم سزاوار است در بحث کسی را شریک خود قرار دهد که ساعی در

تحصیل علم بوده و از دیگران باتقوی تر و دارای طبع و سلیقه ای مستقیم باشد، از

اشخاص کسل و تنبل و کثیر الکلام و اهل فتنه و فساد پرهیزد چنانچه در حکمت فارسی

آمده است:

شعر

تا توانی میگریز از یار بد

یار

بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند

یار

بد بر جان و هم ایمان زند

یعنی: تا میتوانی از رفیق نامناسب و بد اجتناب کن زیرا چنین رفیقی از

مار زنده بدتر است زیرا مار فقط بر بدن انسان زده و او را هلاک میکند ولی رفیق بد

هم شخص را هلاک کرده و هم ایمان را می برد.

و در همین باره گفته شده:

فاعتبر الارض باسمائها

و

اعتبر الصّاحب بالصّاحب

ص: ۱۶

پاره ای از وظائف طالب علم

یعنی: زمین را بواسطه نشانه ها و علائمش از قبیل کوهها و تپه ها و آب ها بشناس و شخص را نیز بوسیله صاحب و رفیقش اعتبار نما.

متن:

و ینبغی ان تعظم العلم و اهله بالقلب غایه التّعظیم.

قیل: الحرمة خیر من الطّاعة.

حتّی لم یؤخذ الكتاب و لم یطالع و لم یقرء الدّرس الّا مع الطّهاره.

و ینبغی ان یجود کتابه الكتاب و لا یقرمط و یترك الحاشیه الّا عند

الضّروره، لانه ان عاش ندم و ان مات شتم.

و ینبغی ان یستمع العلم بالتّعظیم و الحرمة لا بالاستهزاء و لا یختار

نوع العلم بنفسه بل یفوض امره الی استاده لانّ الاستاد قد حصل له التجارب فی ذلك

عند التّحصیل و قد عرف ما ینبغی لكلّ احد و ما یلیق بطبیعته و ینبغی لطالب العلم

ان لا یجلس قریبا من الاستاد عند السّبق بغير الضّروره بل ینبغی ان یكون بینه و

بین الاستاد قدر قوس لانه اقرب الی التّعظیم.

و ینبغی لطالب العلم ان یحترز عن الاخلاق الذّمیمه، فانّها کلاب معنویّه.

قال رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم:

لا یدخل الملتکه بیتا فیہ کلب او صوره کلب.

ترجمه:

پاره ای از وظائف طالب علم

بر طالب علم سزاوار است که علم و اهل آن را قلبا احترام و کمال تعظیم

را در حَقَّشان رعایت کند.

ص: ۱۷

در این باره گفته شده:

احترام از اطاعت و بردن فرمان بهتر میباشد.

حتی هیچگاه برداشتن کتاب و مطالعه آن و خواندن درس را بدون طهارت انجام ندهد.

نوشته ای را که می نگارد سعی کند که زیبا بوده و سطور و کلمات را

زیاد نزدیک بهم ننویسد از حاشیه نویسی حذر کند مگر در وقت ضرورت و احتیاج زیرا اگر

بماند و در آینده بآنها نظر کند پشیمان شده و اگر فوت شود دیگران بوی ناسزا گویند

زیرا بسا حواشی اشتباه بوده یا بسیار سطحی و قابل درج کردن نمیشود.

سزاوار است علم با تعظیم و احترام شنیده شود نه با استهزاء و سخریه و

نیز شایسته است خود نوع علم را اختیار نکرده بلکه در انتخاب آن بااستاد مراجعه کند

زیرا استاد در این باره تجاربی را در وقت تحصیلش بدست آورده و علمی را که سزاوار

هرکس باشد احراز نموده و دانشی را که لایق به طبیعت اشخاص باشد میدانند چیست و

شایسته است طالب علم نزدیک استاد ننشیند مگر حاجت و ضرورتی اقتضاء آنرا بنماید

بلکه جا دارد بین وی و استاد بمقدار یک کمان فاصله شود چه آنکه این امر به تعظیم

استاد اقرب و نزدیکتر است.

بر طالب علم سزاوار است از اخلاق زشت و ناپسند احتراز کند چه آنکه

اخلاق بد در معنا سگهائی هستند که شخص با آنها محشور است.

پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

در خانه ای که سگ یا صورت آن نصب شده باشد ملائک داخل نمیشوند.

فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به تحصیل آن

متن:

الفصل الرابع: في الجدّ و المواظبه و الملازمه

ثمّ لا بدّ لطالب العلم من الجدّ و المواظبه و الملازمه.

قيل:

من طلب شيئاً و جدّ وجد و من قرع باباً و لَجّ ولج.

و قيل:

بقدر ما يسعى ينال ما يتمنى.

قيل:

يحتاج في التعلّم الى جدّ الثلاثه: المتعلّم و الاستاد و الاب

انكان في الحيوه.

و لا بدّ لطالب العلم من المواظبه على الدّرس و التّكرار في اوّل

الليل و آخره و ما بين العشائين و وقت السّحر و وقت مبارك.

قيل:

من اسهر نفسه بالليل فقد فرح قلبه بالنّهار و يغتنم ايام الحدائه و

عنفوان الشّباب و لا يجتهد نفسه جهداً يضعف النّفس و

ص : ١٩

ينقطع عن العمل، بل يستعمل الرفق في ذلك.

و الرفق في ذلك اصل عظيم في جميع الاشياء.

ترجمه:

فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به تحصیل آن

بر طالب علم لازمست در راه تحصیل علم سعی و کوشش کرده و بر بدست

آوردنش مواظبت جمیل نموده و با هرچه سبب رسیدن بآن است ملازم و همراه باشد لذا در

این باره چنین گفته شده:

کسیکه چیزی را طلب کند و برای تحصیلش جدّ و جهد نماید آنرا می یابد و

کسیکه دربی را بکوبد و از خود اصرار نشان دهد بالاخره درب باز شده و وی بدرون داخل

میشود.

و نیز گفته شده:

بمقداری که شخص سعی و کوشش کند بآرزو و آنچه تمنا دارد میرسد.

و همچنین گفته شده:

در تعلّم و فراگرفتن علم به سعی و کوشش سه نفر نیاز است:

۱- طالب علم و فراگیرنده آن.

۲- استاد.

۳- پدر در صورتیکه در حیات باشد.

طالب علم باید بر درس و تکرار آن در ابتداء و انتهای شب و بین مغرب و

عشاء و وقت سحر و زمانیکه مبارک است مواظبت داشته

باشد. در این باره گفته شده:

کسیکه در شب بیداری بکشد در روز قلبش شاد می‌باشد، طالب علم باید
ایام نوجوانی و شباب را غنیمت شمارد، خود را بمشقتی که نفسش را ضعیف و از انجام
اعمال وی را بازدارد نیاندازد بلکه در این راه طریق مرافقت را به پیماید چه آنکه
مدارا و مرافقت اصل عظیمی است در جمیع اشیاء.

متن:

و لا بدّ لطالب العلم من الهمة العالیة فی العلم، فانّ المرء یطیر
بهمة کالطیر یطیر بجناحیه، فلا بدّ ان یكون همته علی حفظ جمیع الکتب حتّی یحصل
البعض.

فانّما اذا کان له همّه عالیه و لم یکن له جدّ او کان له جدّ و لم یکن
له همّه عالیه لا یحصل له الاّ قليلا من العلم و ینبغی ان یتعب نفسه علی الجدّ و
التّحویل و المواظبه بالتأمّل فی فضائل العلوم و دقایقها، فانّ العلم ینقی و غیره
یفنی، فانّه حیوه ابدیّه.

ترجمه:

طالب علم شایسته است که در تحصیل علم همّتی عالی و بلند داشته باشد
چه آنکه شخص همچون پرنده ای که با دو بالش پرواز میکند با همّت خود میتواند طیران
نماید، از اینرو می باید همّتش بر حفظ تمام کتب بوده تا بر بعض آن نائل آید.
و اما وقتی همّتی عالی داشت ولی جدّ و جهد نمود یا جدّ و جهد داشت
و فاقد همّتی عالی بود از علم قلیلی را تحصیل میکند و از دانش نفع کثیری نمی برد.
سزاوار است نفس خود را در سعی و تحصیل و مواظبت بر آن بواسطه دقت در

فضائل علوم و نکات برجسته و باریک آنها به مشقت و تعب بیاندازد و این رنج و مشقت

بجا و ارزشمند است چه آنکه علم

ص : ۲۱

باقی مانده و غیر آن فانی میشود زیرا علم زندگانی جاودانی است.

متن:

قیل:

العالمون احياء و ان ماتوا.

و كفى بلذّ العلم داعيا الى التّحصيل للعاقل و قد يتولّد الكسل من

كثرة البلغم و الرّطوبات.

و طريق تقيله، تقليل الطّعام و ذلك، لأنّ التّسيان من كثره البلغم و

كثره البلغم من كثره شرب الماء و كثره شرب الماء من كثره الاكل و الخبز اليابس

يقطع البلغم و الرّطوبه و كذا اكل الرّيب.

و لا يكثر الاكل منه حتّى لا يحتاج الى شرب الماء، فيزيد البلغم.

ترجمه:

گفته شده:

دانشمندان زنده اند اگرچه بحسب ظاهر از دنیا رخت بر بسته باشند.

و لذّت علم و دانش خود کافی است که عاقل را بتحصيل آن دعوت نماید.

و گاه باشد که کسالت و خمودگی از کثرت بلغم و ازدیاد رطوبات متولّد

شود و راه کاهش دادن آن کم خوردن است زیرا فراموشی از بلغم زیادی پدید آمده و

زیادی بلغم از کثرت شرب آب بوجود می آید و زیاد نوشیدن آب از پرخوری حاصل میشود و

نان خشک بلغم و رطوبت را از بدن قطع و ریشه کن مینماید چنانچه خوردن کشمش نیز واجد

همین خصوصیت است.

لازم بتذکر است خوردن زیاد کشمش را نیز ترک کند تا احتیاج به نوشیدن

آب زیاد نشده و در نتیجه بلغم زیاد گردد.

ص: ۲۲

متن:

و السّواك يقلّل البلغم و يزيد في الحفظ و الفصاحه.

و كذا القيّ يقلّل البلغم و الرّطوبات و طريق تقليل الاكل التأمّل في

منافع قلّه الاكل و هي الصّحه و العفّه و غيرهما و التأمّل في مضارّ كثره الاكل

و هي الامراض و كلاله الطبع.

و قيل:

البطنه تذهب الفطنه.

و ينبغي ان لا يأكل الاطعمه الدّسمه و يقدّم في الاكل اللطيف و

الاشهى و ان لا يسعى في الاكل و التّوم الّا لغرض الطّاعات كالصّلوه و الصّوم و

غيرهما.

ترجمه:

و مسواک نمودن موجب کم شدن بلغم و زيادی حافظه و پيدا شدن فصاحت

ميگردد و نیز قيّ کردن و استفراغ نمودن بلغم و رطوبات بدن را کم ميکند.

و طريق کاهش دادن خوردن اينستکه شخص در منافع آن از قبيل صحت و

تندرستی و عفت نفس بياندیشد و از طرفی در مضارّ و مفسد پرخوری که امراض و

بیماریهای ناشی از آن و وامانده گی طبع و غير متعادل شدن آن است تأمل نماید.

گفته اند:

پرخوری و شکم پرستی زیرکی و فطانت را از بين ميبرد.

شايسته است اغذيه چرب نخورند، در وقت تناول ابتداء غذاهای نرم و لذیذ

را بخورند به خوردن غذا و خوابیدن روی نياورده مگر بمنظور پيدا شدن قوه و نشاط

جهت طاعات همچون نماز و روزه و غیر ایندو.

ص: ۲۳

فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب آن

اشاره

متن:

الفصل الخامس في بدايه السبق و قدره و ترتيبه

ينبغي ان يكون بدايه السبق يوم الاربعاء كما قال رسول الله صلى

الله عليه وآله:

ما من شئى بدء يوم الاربعاء الا و قد تمّ و كلّ عمل من اعمال الخير

لا بدّ ان يوقع يوم الاربعاء و ذلك لانّ يوم الاربعاء يوم خلق الله فيه النور و

هو يوم نحس في حق الكفار، فيكون مباركا.

و اما قدر السبق في الابتداء:

فينبغي ان يكون قدر السبق للمبتدء بقدر ما يمكن بالاعاده مرّتين

بالرفق و التدريج.

فاما اذا طال السبق في الابتداء و احتاج الى الاعاده عشر مرّات فهو

في الانتهاء ايضا كذلك لانه يعتاده كذلك و لا يترك تلك الاعاده بجهد كثير.

و قد قيل:

الدرس حرف و التكرار الف.

ص : ٢٤

ترجمه:

فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب آن

شایسته است که ابتداء شروع به درس را روز چهارشنبه قرار دهند چنانچه

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هیچ چیزی در روز چهارشنبه شروع نشده مگر آنکه باتمام میرسد و هر عملی از

اعمال خیر لازم است در روز چهارشنبه واقع شود زیرا در این روز حقتعالی نور را

بیافرید و این روزی است که در حق کفار نحس بوده بنابراین برای مؤمنین روز میمون

و مبارکی است.

مقدار ابتداء شروع به درس

و اما مقدار شروع به درس در روز اول سزاوار است باندازه ای باشد که

شخص بتواند به تائی و آرامی آنها دو بار اعاده کند یعنی به دو مرتبه مطالعه درس

را بخوبی یاد گیرد.

و اما اگر بقدری درس طولانی باشد که با دو مرتبه مطالعه و یکبار

تکرار نتواند آنها یاد گرفته بلکه به ده بار نیازمند باشد پس در پایان نیز چنین

بوده و هر مطلبی را می باید ده بار تکرار کند تا بیادش بماند چون وقتی در ابتداء

شروع اینطور نمود عادتش بر آن مستقر میگردد.

شایسته نیست که شخص طالب علم تکرار و اعاده درس را واگذارد بلکه در

این راه سزاوار است رنج و مشقت بسیار متحمل گردد و دروس خود را تکرار کند چه

آنکه گفته شده:

درس يك حرف بوده و تكرارش هزار حرف ميباشد.

ص : ۲۵

متن:

و ینبغی ان یتبدي بشیء یركون اقرب الی فهمه و الاساتید کانوا یختارون
للمبتدی صغارات المتون اقرب الی الفهم و الضبط، فینبغی ان یعيد السبق بعد الضبط
و الاعداده کثیرا و لا یکتب المتعلم شیئا لا یفهمه، فأنه یورث کلاله الطبع و
تذهب الفطنه و یضیع الاوقات.

و ینبغی ان یجتهد فی الفهم من الاستاد بالتأمل و التّفکر و کثره
التکرار فأنه اذا قلّ السبق و کثرت التکرار و التأمل یدرک و یفهم.

و قیل:

حفظ حرفین خیر من سماع ورقین.

فاذا تهاون فی الفهم و لم یجتهد مرّه او مرّتين یعتاد ذلك فی الفهم،
فلا یفهم الکلام الیسیر فینبغی ان لا یتهاون فی الفهم بل یجتهد و یدعو الله تعالی
و یتضرّع الیه، فأنه یجیب من دعاه و لا یخیب من رجاه.

ترجمه:

ترتیب قرائت دروس

شایسته است طالب علم ابتداء به درسی شروع کند که بفهمش نزدیکتر باشد
و اساتید نیز برای مبتدی متون کوتاه و کم را که بفهم متعلمین اقرب و نزدیک تر است
برگزینند.

سزاوار است بعد از اینکه درس را ضبط و حفظ نمود آنرا اعاده نماید و

این امر را بحدّ کثرت و وفور برساند چیزی را که نفهمیده ننویسد چون موجب خستگی طبع

بوده و فطانت و زیرکی را از بین میبرد و اوقات را ضایع و تباه میسازد.

شایسته است در فهمیدن درس از استاد جهد و کوشش کرده

ص : ۲۶

و در این راه از تأمل و تفکر غفلت نوزد آنرا زیاد تکرار نماید چه

آنکه درس وقت کم بود و تکرارش زیاد و تأمل در آن فراوان قطعا درس درک شده و

فهمیده میشود.

گفته شده:

حفظ نمودن دو حرف از شنیدن دو ورق مطالب بهتر است.

بنابراین وقتی در فهم مطالب سستی از خود نشان داد و سعی در تکرار آن

به یک یا دو بار نمود و این معنا در فهم و ادراکش عادت شده و در نتیجه کلام و سخن

کوتاه و کم را نمی فهمد لذا شایسته است از هر گونه سستی در فهم مطالب و مسائل

احتراز کرده و در قبال آن اجتهاد و سعی در فراگرفتن آنها بکند و همراه سعی و کوشش

از خداوند متعال قوه فهم و ادراک نیز خواسته و بدرگاهش تضرع و زاری نماید چه

آنکه حضرتش جل و علا کسی را که او را بخواند اجابت کرده و امیدش را قطع نمیکند.

متن:

و لا بدّ لطالب العلم من المطارحه و المناظره، فینبغی ان یکون

بالانصاف و التّائی و التّأمل فیحترز عن الشّغب و الغضب، فانّ المناظره و

المذاکره مشاوره، انّما یکون لاستخراج الصّواب و ذلك انّما یحصل بالتّأمل و

الانصاف و لا یحصل بالغضب و الشّغب.

و فایده المطارحه و المناظره اقوی من فایده مجرّد التّکرار، لانّ فیه

تکرارا مع زیاده.

قیل:

مطارحه ساعه خیر من تکرار شهر لکن اذا کان منصفا سلیم الطّبع.

و اِيَاكَ و المناظره مع غير مستقيم الطّبع، فَاِنَّ الطّبيعه مسترقّه و

الاخلاق متعدّيه و المجاوره مؤثره.

و ينبغي لطالب العلم ان يكون متأمّلا في جميع الاوقات في دقائق

العلوم و يعتاد ذلك، فأنما يدرك الدقائق بالتأمّل و لهذا قيل:

تأمّل، تدرك.

ترجمه:

بر طالب علم لازم است که مجلس مباحثه و مناظره داشته باشد و شایسته

است در این مجلس از طریق انصاف و آرامش و تأمل خارج نشود، از خصومت و اعمال غضب

دوری نماید چه آنکه مناظره و مذاکره خود نوعی مشاورت و تبادل افکار بوده که جهت

استخراج مطالب حقّه و رسیدن به صواب صورت میگیرد و بدون تردید این غرض با تأمل و

اعمال انصاف حاصل شده و ابدأ از طریق غضب و طرح منازعه و خصومت بدست نمی آید.

باید دانست که فایده و نفع مباحثه و مناظره از فایده صرف تکرار

شدیدتر و قوی تر است چه آنکه در آن هم تکرار درس بوده و هم امری زائد بر آن.

در این باره گفته شده:

یک ساعت مباحثه داشتن از تکرار یک ماه بهتر است مشروط باینکه شخص

منصف و دارای طبعی سالم باشد.

الحذر از مباحثه با کسیکه سلیقه و طبعی غیر مستقیم دارد چه آنکه

طبیعت بشری رقیق و لطیف بوده و قابلیتش برای اثر و پذیرش خصلت ها در حدّ کمال است

و از طرفی دیگر اخلاق متعدّی و مسری بوده و مجاورت با اشخاص کاملاً مؤثر است.

شایسته است که طالب علم در تمام اوقات خود را به تأمل و دقت در

دقائق علوم و مطالب باریک و ظریف علمی وادار کند و نفس خویش را بآن عادت دهد چه

آنکه دقائق علوم به تأمل نمودن و امعان نظر درک میشود و از اینرو است که گفته اند:

دقت نما تا درک کنی.

متن:

و لا بدّ من التأمّل قبل الكلام حتّى يكون صوابا، فإنّ الكلام

كالتّهم، فلا بدّ من تقديمه بالتأمّل قبل الكلام حتّى يكون ذكره مصيبا في اصول

الفقه.

و هذا اصل كبير و هو ان يكون كلام الفقيه المناظر بالتأمّل.

و يكون مستفيدا في جميع الاحوال و الاوقات و عن جميع الاشخاص.

قال رسول الله صلّى الله عليه و آله و سلّم:

الحكمه ضالّه المؤمن اينما وجدها اخذها.

و قيل:

خذ ما صفى ودع ما كدر.

و ليس لصحيح البدن و العقل عذر في ترك العلم.

ترجمه:

لازمست پیش از سخن گفتن تأمل و فکر نموده تا کلامش صواب باشد چه

آنکه سخن همچون تیر است پس چاره ای نیست از تقدیم تأمل و فکر پیش از آن تا ذکرش

در اصول فقه بصواب برسد و این قاعده و اصل بزرگی میباشد که عبارتست از اینکه کلام

فقیه برای شخص ناظر از روی تأمل و فکر باشد.

و شایسته است که طالب علم در جمیع احوال و تمام اوقات

ص : ۲۹

مستفید بوده و از تمام اشخاص بهره ببرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

حکمت گمشده مؤمن بوده هر کجا که آنرا بیابد بر میدارد.

و گفته شده:

آنچه صاف و از آلوده گیها منزّه است بگیر و آنچه کدر و تیره است

واگذار.

و کسیکه دارای بدن و عقل سالمی است در ترک علم و دانش معذور نمیباشد.

متن:

و للمتعلّم ان یشغل بالشکر باللسان و الارکان بان یری الفهم و

العلم من الله تعالی و یراعی الفقراء بالمال و غیره و یتطلب من الله تعالی

التوفیق و الهدایه، فانّ الله تعالی هاد لمن استهداه به.

و من یتوکّل علی الله فهو حسبہ انّ الله بالغ امره قد جعل الله

لکلّ شیء قدرًا.

و ینبغی لطالب العلم ان یکون ذا همّه عالیه لا یتطمع فی اموال الناس.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

ایّاک و الطّمع، فانّه فقر حاضر، فلا ینجل بما عنده من المال، بل

ینفق علی نفسه و علی غیره.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

الناس کلّهم فی الفقر مخافه للفقر.

و کان فی الزّمان الاوّل یتعلّمون الحرفه، ثمّ یتعلّمون العلم حتّى

لا يطمعون في اموال الناس.

ص : ٣٠

و فی الحکمه:

من استغنی بمال النَّاس افتقر و العالم اذا كان طامعا لا یبقی له حرفه

العلم و لا یقول بالحقّ.

ترجمه:

بر متعلّم و فراگیرنده دانش است که زبان و اعضاء و جوارحش را به

شکرگذاری حقّ تعالی مشغول نماید و مقصود از شکر اینست که فهم و دانش را از جانب

حقّ تعالی دیده و نیازمندان را با مال و غیر آن مورد ملاحظت و رعایت خویش قرار دهد و

پیوسته از حضرتش فراهم آمدن اسباب و هدایت را بخواهد چه آنکه باری تعالی هر کسی را

که از وی طلب هدایت کند رهنمائی فرماید.

چنانچه خود در قرآن عزیز میفرماید:

کسیکه بر خدا توکل کند پس او کفایتش کند او است که امرش بر تمام

ماسوی نافذ میباشد، برای هرچیز اندازه و مقداری مقرّر فرموده است.

سزاوار است که طالب علم دارای همّتی بلند بوده و هرگز در اموال و

ثروت مردم طمع و چشم داشتی نداشته باشد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

الحذر از طمع، چه آنکه آن فقری است فعلی، پس طالب علم بخل نکرده و

آنچه نزدش از مال است بر خود و دیگران انفاق کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

تمام مردم بجهت ترس از فقر در نداری و بی چیزی زندگی میکنند.

در زمانهای پیش ابتداء حرفه و صنعتی را می آموخته پس از

آن به یاد گرفتن علم میپرداختند تا بدینوسیله در اندوخته های مردم چشم داشتی نداشته باشند.

و در کلام حکمت آمیز آمده:

کسیکه به مال مردم غناء بطلبد فقیر میگردد و عالم وقتی طمع در مال دیگران داشت برایش علمی باقی نمیماند و هرگز بحق تکلم نمیکند.

متن:

و ینبغی لطالب العلم ان یعدّ نفسه و یقدّر تقدیرا فی التّکرار، فأنّه

لا یستقرّ قلبه حتّی لا یبلغ ذلک المبلغ.

و ینبغی ان یکرّر سبق الامس خمس مرّات و سبق الیوم الذّی قبل الامس

اربع مرّات و سبق الذّی قبله ثلاثا و الذّی قبله اثنان و الذّی قبله واحدا فهذا

ادعی و اقرب الی الحفظ و التّکرار.

فینبغی ان لا یعتاد المخافه فی التّکرار، لأنّ الدّرس و التّکرار لا

بدّ ان یکون بقوّه و نشاط و لا یجتهد جهدا یجهد نفسه لئلا ینقطع عن التّکرار،

فخیر الامور اوسطها و لا بدّ له من المداومه فی العلم من اوّل التّحصیل الی آخره.

ترجمه:

سزاوار است طالب علم خود را آماده و مهیا نموده و در تکرار مقداری

را معین و تقدیر نماید چه آنکه قلب او آرام نخواهد گرفت مگر آنکه بآن مبلغ و

مقدار برسد.

و شایسته است درس روز قبل را پنج بار و درس روزی که پیش از آنست چهار

مرتب و درس قبل از آنرا سه و آنچه پیش از آنست دو و درس جلوتر از آنرا یک بار

مرور و تکرار نماید چه آنکه این امر به

ص: ۳۲

حفظ مطلب نزدیکتر و اثرش در آن بیشتر است.

سزاوار است در مقام تکرار خفت و سستی را شعار خود نکند چه آنکه درس

و تکرارش هردو می باید با نیرو و نشاط باشد، سعی کند که خود را خسته و کوفته نسازد

تا از تکرار بازماند چه آنکه بهترین امور حدّ وسط آنها میباشد.

لازمست طالب علم از ابتداء تحصیل تا پایانش مداومت در علم و دانش

داشته باشد.

ص : ۳۳

فصل ششم: در بیان توکل

متن:

الفصل السادس في التوكل

لا بدّ لطالب العلم من التوكل ولا يهّم لامر الرزق ولا يشغل

قلبه بذلك و يصبر، لأنّ طلب العلم امر عظيم و في طلب تحصيله اجر جزيل و هو افضل من

القراءة عند اكثر العلماء فمن صبر على ذلك فقد وجد لذه تفوق ساير لذات الدنيا و

لهذا كان محمّد بن الحسن الطوسي (ره) اذا اسهر الليالي و حلّ له مشكلات يقول:

اين ابناء الملوک من هذه اللذّه.

و ينبغي ان لا يشغل بشيئ و لا يعرض عن الفقه و الحديث و التفسير و

القرآن.

ترجمه:

فصل ششم: در بیان توکل

برای طالب علم لازمست که خود را بصفت حسنه توکل آراسته و همّتش را

برای امر رزق و روزی صرف نکرده و دلش را برای

ص : ۳۴

این امر مشغول نکرده بلکه در این رابطه صابر و شکیبیا باشد چه آنکه

طلب دانش امر بزرگی است و در طلب آن اجر فراوانی میباشد و از نظر اکثر ارباب علم

طلب دانش افضل و برتر است از قرائت و خواندن آن لذا کسی که در تحصیل آن صابر باشد

پس لذتی می یابد فوق تمام لذات دنیا از اینرو بود که مرحوم شیخ اجل محمد بن حسن

طوسی معروف به شیخ طائفه امامیه قدس سره وقتی شبها را بی خوابی میکشید و در حلّ

مشکلات علوم صبر بخرج میداد تا برایش گره گشاده میگشت میفرمود:

فرزندان سلاطین کجا هستند تا لذت علم را که من می چشم بچشند.

شایسته است طالب علم خود را بشیئی مشغول و سرگرم نکند و از فقه و حدیث

و تفسیر و قرآن اعراض ننماید.

فصل هفتم: در بیان وقت تحصیل

متن:

الفصل السابع فى وقت التّحصيل

قيل: وقت التّعلّم من المهد الى اللّحد.

و افضل اوقاته شرع الشّباب و وقت السّحر و ما بين العشائين.

و ينبغى ان يستغرق جميع اوقاته، فاذا ملّ من علم يشتغل بعلم آخر.

و كان محمّد بن الحسن لا ينام اللّيل و كان يضع عنده دفاتر اذا ملّ

من نوع ينظر الى نوع آخر و كان يضع عنده الماء و يزيل نومه بالماء و كان يقول:

النّوم من الحراره.

ترجمه:

فصل هفتم: در بیان وقت تحصیل

چنین گفته شده: وقت تعلّم و فراگیری دانش از گهواره تا گور میباشد.

ص : ۳۶

و برترین اوقاتش ایام جوانی و هنگام سحر و بین عشائین (زمان بین

مغرب و عشاء) میباشد.

و شایسته است که طالب علم تمام وقتش را مستغرق در تحصیل علم نماید،

پس وقتی از علمی ملول و دلتنگ گردید به دانش دیگر خود را سرگرم کند.

در احوالات مرحوم شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی آمده که ایشان شب

را نخوابیده و نزدشان دفاتر و کتبی می نهادند و وقتی از یک نوع دانش خسته و دلتنگ

می شدند به نوع دیگرش نظر می افکندند و پیوسته در کنارش آبی بود که خواب را با آب

از خود دور میساخت و میفرمود: خواب از حرارت ناشی میشود.

ص : ۳۷

فصل هشتم: در بیان مهربانی و نصیحت

متن:

الفصل الثامن فی الشَّفَقَة و النَّصِيحَة

ينبغي ان يكون صاحب العلم مشفقاً، ناصحاً، فالحسد يضرّ و لا ينفع، بل يشغله تيه تحصيل الكمال و ينبغي ان يكون همّه المعلّم ان يصير المتعلّم في قرنه عالماً و يشفق على تلامذته بحيث فاق على علماء العالم.

و ينبغي لطالب العلم ان لا ينازع احداً و لا يخاصمه، لأنّه يضيع الاوقات، فالمحسن سيجزى باحسانه و المسئ سيكفيه مساويه.

قيل:

عليك ان تشتغل بمصالح نفسك لا بقهر عدوك، فاذا اقامت بمصالح نفسك تضمن ذلك قهر عدوك اياك و المعادات فانّها تفضحك و تضيع اوقاتك و عليك بالتأمل لا سيما من السفهاء و اياك ان تظنّ بالمؤمن سوء، فانه منشاء العداوه و لا يحلّ ذلك لقوله عليه السلام:

ظنّوا بالمؤمنين خيراً.

و أنّما ينشاء ذلك من حيث النفس.

ص : ٣٨

فصل هشتم: در بیان مهربانی و نصیحت

شایسته و سزاوار است صاحب علم مهربان، ناصح و پنددهنده بوده و از حسد و رشک بردن بر حذر باشد چه آنکه حسد مضرّ بوده و نفعی ندارد بلکه وجود چنین صفت ذمیمه ای صاحب دانش و طالب علم را از نیت تحصیل کمال باز میدارد.

و سزاوار است اینکه همت استاد و معلّم این باشد که متعلّم و شاگرد را در بین اقران و امثالش عالم برجسته و دانشمندی فرزانه گرداند.

و نیز از وظایف معلّم اینستکه بر شاگردان خود دلسوز و مهربان باشد بطوریکه ایشان را بنوع و نحوی تربیت کند که بر دانشمندان عالم برتر گردند.

و شایسته و سزاوار است که اهل علم و طالب دانش با احدی در مقام منازعه و مخاصمه بر نیاید زیرا این امر اوقات شریف را تباه و تضييع میکند و در قبال آن محسن بزودی بواسطه احسانش مأجور واقع شده و مسی و بدرفتار عنقریب گرفتار زشتی اعمال و رفتارش خواهد شد.

چنین گفته شده:

بر تو است که در راه اصلاح نفس خود کوشا بوده و از قهر و غلبه بر دشمنت اجتناب و دوری نمائی چه آنکه وقتی به تربیت نفس و اصلاح آن قیام نمودی بر دشمنت نیز قاهر و غالب خواهی آمد.

الحذر از اعمال دشمنی چه آنکه آن تو را مفتضح و رسوا کرده

و اوقات گرانبهایت را تباه میسازد و بر تو است که تأمل و حالت

احتیاط داشته باشی مخصوصا از اشخاص نادان و سفیه و الحذر از سوء ظنّ بردن به اهل

ایمان چه آنکه این امر منشاء و سبب عداوت ها و دشمنی ها مییاشد و از حیث شرع نیز

حلال و جایز نیست چه آنکه معصوم علیه السّلام فرمودند:

بمؤمنین گمان نیک برید.

و این حالت بدبینی و سوء ظنّ صرفا از جانب نفس و ناشی از آن مییاشد.

ص : ۴۰

فصل نهم: در بیان استفاده

متن:

الفصل التاسع في الاستفادة

ينبغي لطالب العلم ان يكون مستفيدا في كل وقت حتى يحصل له الفضل.
و طريق الاستفادة ان يكون معه في كل وقت محبره حتى يكتب ما يسمع من
الفوائد.

قيل:

ما حفظ فرّ و ما كتب قرّ.

قيل:

العلم ما يؤخذ من افواه الرجال لأنهم يحفظون احسن ما يسمعون و
يقولون احسن ما يحفظون.

و وصي شخص لابنه بان يحفظ كل يوم شقصا من العلم، فانه يسير و عن
قريب يصير كثيرا.

فالعلم كثير و العمر قصير، فينبغي ان لا يضيع الطالب له الاوقات و
الساعات و يغتنم الليالي و الخلوات.

ص : ٤١

قیل:

اللَّيْلُ طَوِيلٌ، فَلَا تَقْصِرْهُ بِمَنَامِكَ وَ النَّهَارُ مُضِيٌّ، فَلَا تَكْذُرْهُ بِآثَامِكَ.

ترجمه:

فصل نهم: در بیان استفاده

سزاوار است طالب علم در تمام اوقات در مقام استفاده باشد تا برایش

فضل و کمال حاصل شود.

و طریق و راه استفاده اینستکه پیوسته با وی دواتی بوده تا آنچه از

فوائد و مطالب ارزنده را می شنود بنویسد.

گفته شده:

آنچه حفظ میشود فراموش شده و آنچه نوشته میگردد ثابت و مستقر

میمانند.

و نیز گفته اند:

دانش آنستکه از دهان بزرگان گرفته شود چه آنکه ایشان بهترین کلماتی

را که می شنوند حفظ کرده و نیکوترین محفوظات خود را بازگو میکنند.

گفته اند شخصی فرزندش را چنین سفارش نمود که هرروز پاره و قسمتی از

علم را فرا بگیر، چه آنکه آن کم و ناچیز است ولی بزودی این اندک بسیار و فراوان

میگردد.

دانش و علم بسیار و فراوان است و در مقابلش عمر و وقت کوتاه، پس

شایسته است طالب علم وقت و ساعات خود را تباه نکرده

و شبها را مغتنم شمرده و از خلوات استفاده و بهره بردارد.

گفته اند:

شب طولانی است پس با خوابیدن آنرا کوتاهش مکن و روز نورانی بوده پس
با نافرمانی ها و گناها نت مکدر و تیره اش منما.

متن:

و ینبغی لطالب العلم ان یغتنم الشیوخ و یتفید منهم و لا یتحسر
لکلّ مافات، بل یغتنم ما حصل له فی الحال و الاستقبال من تحمیل المشاقّ و المذلّه
فی طلب العلم و التملّق مذموم الّا فی طلب العلم، فأنّه لا بدّ له من التملّق
للاستاد و الشّرکاء و غیرهم للاستفاده.

و قیل:

العلم عزّ لا ذلّ فیهِ و لا یدرک الّا بذلّ لا عزّ فیهِ.

ترجمه:

و برای طالب علم شایسته و سزاوار است که اساتید و بزرگان علم را در
نظر داشته و وجودشان را مغتنم شمرده و از ایشان بهره ببرد و بر اوقات از دست رفته
حسرت نخورده بلکه برای آنچه از زمان حال و آینده باقیمانده ارزش قائل شده و سعی
کند آنها از دستش بیهوده نروند لذا خود را به تحمیل مشاقّ و ادار نموده و در راه
طلب علم هرذلت و خواری را بر خود هموار نماید.

چاپلوسی و تملّق در همه امور مذموم و ناپسند است مگر در راه تحصیل

علم چه آنکه طالب علم می باید از استاد و شرکاء در بحث و دیگران بمنظور استفاده از
آنها تملّق نموده و چاپلوسی کند.

گفته شده:

علم عزیز و شریف بوده ذلت و خواری در آن نیست ولی درک نمیشود مگر به

خواری که عزت در آن نمیشد.

ص: ۴۳

فصل دهم: در بیان تقوی در مقام تعلم

متن:

الفصل العاشرفی الورع فی التعلّم

روی حدیث فی هذا الباب عن رسول الله صلّى الله عليه وآله أنّه

قال:

من لم يتورّع في تعلّمه ابتلاه الله باحد من ثلاثه اشياء:

امّا ان يميته في شبابه او يوقع في الرّسائيق او يبتليه بخدمه

السلطان فمهما كان طالب العلم اورع كان علمه انفع و التّعليم له ايسر و فوائده

اكثر.

و من الورع ان يحترز عن الشّع و كثره الكلام فيما لا ينتفع و ان

يحترز عن اكل طعام السّوق ان امكن لانّ طعام السّوق اقرب الى النّجاسه و الخبائثه و

ابعد عن ذكر الله تعالى و اقرب الى الغفله، لانّ ابصار الفقراء تقع عليه و لا

يقدرّون على الشّراء فيتأذون بذلك، فيذهب برّكته.

ترجمه:

فصل دهم: در بیان تقوی در مقام تعلّم

حدیث و روایتی در این باب از وجود مبارک حضرت رسول

ص : ۴۴

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده و آن اینستکه فرمودند:

کسیکه در فراگرفتن علمش ورع و تقوی نداشته باشد حق تعالی وی را بیکی

از سه چیز مبتلاء میفرماید:

یا او را جوانمرگ میکند یا در ده قرارش داده و عالم اهل ده میگردد و

یا بخدمت سلطان مبتلایش میکند.

پس طالب علم هرچه تقوایش بیشتر بوده دانشش پربارتر و تعلیم برایش

سهل تر و فوائد آن بیشتر است.

و از تقوی و ورع است اینکه از سیر کردن شکم و تکلم زیاد در اموری که

نفعی ندارد اجتناب کرده و از تناول غذای بازار حتی الامکان پرهیزد چه آنکه طعام

بازار به نجاست نزدیکتر و خبائثش بیشتر بوده و انسان را از یاد خدا دور و به غفلت

نزدیک مینماید زیرا چشمان فقراء بآن دوخته شده و قادر بر خریدنش نبوده و از اینرو

در اذیت قرار گرفته اند و در نتیجه برکت از آن رفته است.

متن:

و ینبغی لطالب العلم ان یحترز عن الغیبه و عن مجالسه مکثار الکلام،

فانّ من یكثر الکلام یسرق عمرک و یضیع اوقاتک.

و من الورع ان یجتنب من اهل الفساد و التّعطیل، فانّ المجالسه مؤثره

لا محاله و ان یجلس مستقبل القبله فی حال التّکرار و المطالعه و یكون مستنّا بسنّه

النّبی صلی الله علیه و آله.

و یغتنم دعوه اهل الخیر عن دعوه الظّلم و یطلب الهّمّه و استدعی من

الصّالحین.

ترجمه:

سزاوار است طالب دانش از غیبت و پشت سرگوئی دیگران اجتناب کرده و از

هم نشینی با کسیکه سخن بسیار میگوید

ص: ۴۵

پرهیز نماید چه آنکه شخص پرسخن عمر تو را به یغما برده و اوقات را تباه میکند.

و از تقوی است اینکه از اهل فساد و کساد اجتناب نماید چه آنکه مجالست و هم نشینی مؤثر بوده و قطعاً حالات و صفات هم نشین در شخص اثر میگذارد. سزاوار است در حال بحث و مطالعه رو بقبله بنشیند، پیوسته مؤدب با آداب نبوی صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

دعوت اهل خیر را معتنم شمرده و اجابت کرده و از دعوت ظالم و ستمکار حذر نماید، طالب همت بوده و از صالحین استدعای دعاء داشته باشد.

متن:

و ینبغی لطالب العلم ان لا یهاون برعایه الآداب و السنن، فان من تهاون بالآداب حرم السنن و من تهاون بالسنن حرم الفرائض و من تهاون بالفرائض حرم الآخره.

و قال بعضهم: هذا حدیث من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. و ینبغی ان یکثر الصلوه و یصلی صلوه الخاشعین، فان ذلك عون من التحصیل و التعلّم.

و ینبغی ان یتصحب دفتر علی کل حال یتالعه.

قیل:

من لم یکن الدفتر فی کمه لم یثبت الحکمه فی قلبه.

و ینبغی ان یكون فی الدفتر بیاض و یتصحب المحبره لیکتب ما یسمعه

كما قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم لهلال بن یسار حین

قَرَّرَ لَهُ الْعِلْمَ وَالْحِكْمَةَ:

هل معك معبره؟

ترجمه:

برای طالب علم سزاوار است که در رعایت آداب اخلاق و سنن سستی نرزد
چه آنکه کسیکه به آداب سستی نشان دهد از سنن و مستحبات محروم شده و آنکس که در
انجام مستحبات سهل انگار باشد از انجام واجبات بازمانده و شخصی که بفرائض و
واجبات اهمال و سستی نشان دهد از آخرت و عوائد آن محروم است.
بعضی از بزرگان فرموده اند:

عبارتی که نقل شد حدیثی است منقول از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه
و آله و سلم: سزاوار است طالب علم نماز بسیار بخواند، نمازش، نماز خاشعین بوده و
در آن بجز خدا فکر ننماید و خود را در پیشگاه مقدّسش ذلیل و خرد بداند چه آنکه این
امر خود برای تحصیل و فراگرفتن علم کمک و یاور میباشد.
بسیار بجا است که طالب دانش همراهش همیشه دفتری بوده که آنرا مطالعه
نماید.

گفته اند:

کسیکه در آستینش دفتری نباشد هرگز حکمت در دلش قرار نمیگیرد.
سزاوار است در دفتر قسمتی سفید گذارده و همراه خود قلمی بردارد تا
آنچه را که می شنود در آنجا بنویسد چنانچه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و
سلم وقتی برای هلال بن یسار علم و حکمت را تقریر مینمودند فرمودند:

آیا با تو قلمی میباشد؟

اشاره

متن:

الفصل الحادى عشر فى ما يورث الحفظ و التسيان

و اقوى اسباب الحفظ الجّد و المواظبه و تقليل الغذاء و صلوه اللّيل

بالخضوع و الخشوع و قراءه القرآن من اسباب الحفظ.

قيل:

ليس شيئاً ازيد فى الحفظ من قراءه القرآن لا سيما آيه الكرسي و قراءه

القرآن نظراً افضل لقوله صلى الله عليه و آله و سلم:

افضل اعمال امتى قراءه القرآن نظراً.

و بكثره الصلواه على النبى صلى الله عليه و آله و المسواك و شرب

العسل و اكل الكندر مع السكر و اكل احدى و عشرين زيبه حمراء فى كلّ يوم.

و كلّ ذلك يورث الحفظ و يشفى من كثره الامراض و الاسقام.

و كلّ ما يقلل البلغم و الرطوبات يزيد فى الحفظ.

ترجمه:

فصل یازدهم: در آنچه موجب حفظ و فراموشی میباشد

مؤثرترین اسباب و موجبات حفظ سعی نمودن و مواظبت داشتن و مراقب بودن
میباشد.

کم تناول کردن غذا و بجای آوردن نماز شب با حالت خضوع و خشوع و

خواندن قرآن مجید نیز از موجبات حفظ و ماندن مطالب میباشد.

گفته شده:

چیزی مؤثرتر در حفظ مسائل و مطالب از قرائت قرآن نبوده مخصوصاً خواندن
آیه الکرسی.

البته افضل و بهتر آنستکه قرآن را از رو خوانده و در وقت تلاوت

بخطوطش نظر نمایند چه آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بالاترین و والاترین اعمال امت من اینستکه قرآن را با نظر نمودن بآن

بخوانند.

و نیز از اسباب حفظ اینستکه بسیار بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و

آله و سلم صلوات بفرستند.

و از جمله اسباب حفظ زدن مسواک و خوردن عسل و تناول نمودن کندر با

شکر و خوردن بیست و یکدانه کشمش قرمز در هرروز میباشد.

و آنچه تا باینجا ذکر شد موجب پیدایش قوه حفظ و شفاء از امراض و کثرت

اسقام میباشد و هرچه باعث کاهش بلغم و رطوبات گردد حفظ را می افزاید.

متن:

و ممّا یورث النسیان:

کثره المعاصی و کثره الهموم و الاحزان فی امور الدنیا و کثره
الاشتغال و العلايق و قد ذکرنا، لانه لا ینبغی للعاقل ان یهمّ لامور الدنیا
لانه یضّرّ و لا ینفع و هموم الدنیا لا یخلو عن الظلمه فی القلب و هموم الآخره
لا یخلو من التور فی القلب و تحصیل العلوم ینفی الهمّ و الحزن و اکل الکریزه و
التفاح الحامض و نظر المصلوب و قراءه لوح القبور و العبور بین اقطار الجمل و
القاء القمّل الحیّ علی الارض و الحجامه علی نقره الفقار کلّ ذلك یورث النسیان.

ترجمه:

اسباب پیدایش نسیان و فراموشی

از اموری که باعث فراموشی میشود:

کثرت گناه و ازدیاد اندوه و فراوانی حزن در امور دنیا و سرگرمی زیاد
و دلبستگی به آنرا میتوان برشمرد چنانچه قبلاً بآن اشاره گردید.
شخص عاقل و فهمیده نمی باید برای امور و جهات دنیوی مهموم و غمناک
گردد چه آنکه علائق و امتعه دنیوی مضرّ بوده و نافع نیستند، هموم دنیا از ایجاد
ظلمت و تیره گی در دل خالی نبوده و در مقابلش اندوه و حزن برای آخرت از اضائنه نور
در قلب مجرّد نمیشد.

تحصل علوم و فراگرفتن دانش حزن و غم را می زداید.

خوردن خیار چنبر و سیب ترش و دیدن دار آویخته و خواندن سنگ قبرها و

گذشتن از بین قطار شتران و انداختن شپش زنده بر زمین و حجامت بر گودی ستون فقرات

جملگی از اسباب پیدایش فراموشی میباشند.

ص : ۵۰

فصل دوازدهم: در بیان آنچه موجب جلب روزی و زیادی آن و آنچه باعث زیادی عمر و کوتاهی آن می شود

متن:

الفصل الثانی عشر فیما یجلب الرزق و یشده و ما یشده العمر و ینقص

ثم لا بدّ لطالب العلم من القوه و الصّحه لیکون فارغ البال فی طلب

العلم و فی کلّ ذک صنفوا کتابا فاوردت البعض هیهنا علی الاختصار.

قال رسول الله صلّی الله علیه و آله:

لا یشده فی الرزق و لا یردّ القدر الاّ الدعاء و لا یشده العمر

الاّ البرّ.

فیثبت بهذا الحدیث ان ارتکاب الذّنب یشبّب حرمان الرزق خصوصا الکذب

یورث الفقر.

و قد ورد حدیث خاصّ بذلك و کذا الصّحبه جنبا یمنع الرزق و کذا کثره

الثوم ثمّ الثوم عریانا و البول عریانا و الاکل جنبا و التّهاون بسقاط المائده و

حرق قشر البصل و الثوم و کنس البیت فی اللیل و ترک القمامه فی البیت و المشی

قدّام المشایخ و نداء الابوین

ص : ۵۱

باسمهما و الخلال بكلّ خشبه و غسل اليدين بالتراب و الطين و الجلوس

على العتبه و الاتكاء على احد زوجى الباب و التوضوء فى المبرز و خياطه الثوب

على البدن و تجفيف الوجه بالثوب و ترك بيت العنكبوت فى البيت و التهاون بالصّلوه

و اسراع الخروج من المسجد و الابتكار فى الذهاب الى السوق و الابطاء فى الرجوع

منع و شراء كسرات الخبز من الفقراء السائلين و رعاء الشر على الوالدين و ترك

تطهير الاواني و اطفاء السراج بالنفس.

كلّ ذلك يورث الفقر، عرف ذلك بالآثار.

ترجمه:

فصل دوازدهم: در بیان آنچه موجب جلب روزی و زیادى آن و آنچه باعث

زیادى عمر و کوتاهى آن مى شود

شایسته و سزاوار است که طالب علم دارای قوت و صحت مزاج بوده تا در

طلب علم فارغ البال بوده و با آرامش خاطر در مقام تحصیل برآید و در هریک از این

امور حضرات کتابی تصنیف و تألیف فرموده اند.

و من در اینجا قصدم اینستکه برخی از آنچه در این امور نوشته شده بطور

اختصار بیاورم:

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

رزق و روزی را زیاد نکرده و بمقدارش نمی افزاید مگر دعاء

ص : ۵۲

و موجب زیادی و طولانی عمر نمیشود مگر احسان نمودن.

پس باین حدیث شریف ثابت میشود که ارتکاب گناه موجب محروم ماندن از روزی

میشود مخصوصا دروغ که باعث فقر و تنگدستی میشود.

و حدیث خاصی در این زمینه وارد شده است.

و نیز مصاحبت با جنب مانع از رزق میشود و همچنین امور ذیل جملگی سبب

تنگدستی و فقر میباشند:

خواب زیادی، لخت و عریان خوابیدن، عریان بول نمودن، در حال جنابت غذا

خوردن، سهل انگاری نمودن درباره ته مانده سفره، آتش زدن پوست پیاز و سیر، جاروب

زدن اطاق در شب، واگذار کردن کثافت و زباله در خانه، جلو پیران راه رفتن، پدر و مادر

را با اسمشان خواندن، با هرچوبی خلال نمودن دندانها، شستن دستها با خاک و گل،

نشستن بر دربگاه و آستانه، تکیه دادن بر یکی از دو لنگه درب، وضوء گرفتن در بیت

الخیلاء، دوختن جامه در حالیکه به تن میباشد، خشک کردن صورت با جامه، واگذار کردن لانه

عنکبوت در خانه، سهل انگاری نمودن در امر نماز، بسرعت از مسجد خارج شدن، زود به

بازار رفتن و دیر مراجعت کردن از آن، خریدن خورده نان از فقرائیکه اهل سؤال هستند،

بدی نمودن به پدر و مادر، آلوده گذاردن ظروف و نشستن آنها، دمیدن در چراغ و خاموش

کردنش با آن.

چنانچه گفته شد تمام این امور مورت فقر و تنگدستی است که از طریق

آثار و اخبار بآن اطلاع حاصل شده است.

متن:

و كذا الكتابه بقلم معقود و الامشاط بمشط مكسور و ترك الدعاء

للوالدين و التعمم قاعدا و التسرول قائما و البخل و التقتير

ص : ٥٣

و الاسراف و الكسل و التواني و التهاون في الامور.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله:

استنزلوا الرزق بالصدقه و البكور مبارك يزيد في جميع النعم خصوصا
في الرزق و حسن الخط من مفاتيح الرزق و طيب الكلام يزيد في الرزق.

ترجمه:

و همچنين نوشتن با قلم بسته شده بجائی و نیز شانه زدن با شانه شکسته

و دعاء در حق پدر و مادر نمودن، گذاردن عمامه بر سر در حال نشستن، پوشیدن شلوار

در حال ایستاده، بخل ورزیدن، خودداری کردن از صرف مال، و اسراف نمودن و کسل بودن و

سستی نشان دادن در امور موجب فقر و مانع از روزی میباشند.

پیغمبر اکرم صَلَّى الله عليه و آله و سلم فرمودند:

با دادن صدقه روزی را جلب کنید و بامدادان برخاستن بابرکت بوده و

تمام نعمت ها خصوصا رزق و روزی را زیاد میکند و نیکو نوشتن یکی از کلیدهای روزی

بوده و خوش کلام بودن نیز روزی را زیاد مینماید.

متن:

و عن حسين بن علي عليهما الصلوه و السلام:

ترك الزناء و كنس الفنا و غسل الاناء مجلبه للغناء.

و اقوى الاسباب الجالبه للرزق الصلوه بالتعظيم و الخشوع و قراءه

سوره الواقعه خصوصا بالليل و وقت العشاء و سوره يس و تبارك الذي بيده الملك وقت

الصبح و حضور المسجد قبل الاذان و المداومه على الطهاره و اداء سنه الفجر و

الوتر في البيت و ان لا يتكلم بكلام اللغو.

ترجمه:

و از مولانا حسین بن علی علیهما الصلوه و السلام منقول است که

فرمودند:

ترك عمل فحشاء و روفتن اطراف درب خانه و شستن ظروف غناء و ثروت را
جلب میکند.

و قوی ترین اسباب جالب روزی گذاردن نماز با حالت تعظیم و خشوع و

خواندن سوره واقعه مخصوصا در شب و زمان عشاء و قرائت سوره یس و تبارک الذی بیده

الملک در وقت صبح و حاضر شدن بمسجد پیش از اذان و دائم با طهارت بودن و انجام

نافله صبح و خواندن نماز وتر در خانه و ترك کلام لغو و بیهوده میباشد.

متن:

قیل:

من اشتغل بما لا یعنیه یفوته ما یعنیه.

قال علی علیه الصلوه و السلام:

إذا تمّ العقل نقص الكلام.

و ممّا یزید فی العمر ترك الاذی و توقیر الشیوخ و صلّه الرّحم و

یحترز عن قطع الاشجار الرّطبه الا عند الضروره و اسباغ الوضوء و حفظ الصّحّه.

و لا بدّ لطالب العلم ان يتعلّم شیئا من الطّب و يتبع بالآثار

الوارده فی الطّب الذی جمعه الشّیخ الامام ابو العباس المستغفری فی الكتاب

المسمّى بطبّ النّبیّ صلی الله علیه و آله و سلّم و الحمد لله ربّ العالمین.

ترجمه:

گفته شده:

کسیکه خود را به آنچه بیهوده و بی معناست مشغول و

ص : ۵۵

سرگرم کند آنچه مورد قصد و واجد معنا است از وی فوت میشود.

حضرت امیر المؤمنین علیّ علیه السّلام فرمودند:

وقتی عقل کامل شود سخن و کلام کم میگردد.

و از اشیائی که باعث طولانی شدن عمر میگردد اذیت نکردن، احترام نمودن

به بزرگان، صلّه رحم بجای آوردن و پرهیز از بریدن درختان تازه مگر در وقت ضرورت و

شاداب وضوء گرفتن و رعایت سلامتی و حفظ الصّحه کردن میباشد.

و می باید طالب علم مقداری از علم طبّ را آموخته و بدنالش آثار و

اخبار وارده از حضرات معصومین علیهم السّلام را که در طبّ ایراد شده اند ملاحظه

نماید.

این روایات و اخبار را شیخ ابو العباس مستغفری در کتابی بنام « طبّ النّبیّ » صلّی الله علیه

و آله و سلّم جمع آوری فرموده است.

تمام شد کتاب « انیس الطالبین » ترجمه « آداب المتعلّمین » در روز پنجشنبه یازدهم ماه صفر المظفّر سنه ۱۴۰۷

بدست ناتوان بنده ضعیف سید محمّد جواد ذهنی تهرانی نزیل قم المشرفه از قارئین

مستدعی است که در وقت قرائت این کتاب حقیر را از دعاء خیر فراموش نفرمایند و از

خداوند متعال توفیق تمام طالبین علم و دانش را خواستارم بحقّ محمّد و آله

الطّیّبین الطّاهرین

مقدمه

۵

کتاب آداب المتعلمین

۵

فصل اول: حقیقت و فضیلت علم

۷

کلام برخی در خاصیت بعضی از علوم

۹

تفسیر علم

۱۰

فصل دوم: در بیان نیت

۱۱

فصل سوم: در برگزیدن علم و انتخاب استاد و اختیار هم بحث

۱۳

در بیان انتخاب استاد

۱۴

نظم

۱۶

در بیان اختیار هم بحث

پاره ای از وظائف طالب علم

فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به تحصیل آن

فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتیب آن

مقدار ابتداء شروع به درس

ترتیب قرائت دروس

فصل ششم: در بیان توکل

فصل هفتم: در بیان وقت تحصیل

فصل هشتم: در بیان مهربانی و نصیحت

فصل نهم: در بیان استفاده

فصل دهم: در بیان تقوی در مقام تعلم

فصل یازدهم: در آنچه موجب حفظ و فراموشی میباشد

اسباب پیدایش نسیان و فراموشی

فصل دوازدهم: در بیان آنچه موجب جلب روزی و زیادی آن و آنچه باعث زیادی عمر و کوتاهی آن می شود

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹